

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

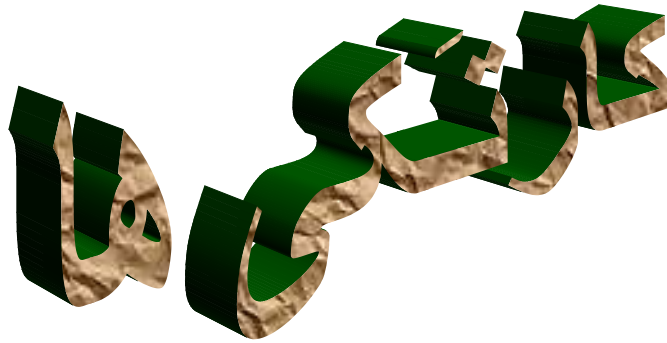
[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده  
۲۶ فیروزی ۲۰۱۰  
شهر آسن - آلمان



آمد بهار دیگر ، با گلزار دیگر  
عالم همه جوان شد ، از حُسن یار دیگر  
دشت و دمن ، مُعنبر ، باغ و چمن مُعطر  
گل‌های تازه برچین ، از نو بهار دیگر  
زنگید شیشه دل از بغض و کین و نفرت  
بر خیز و جست و جو کن ، آئینه دار دیگر  
با آیه های وحدت ، آئینه ، صیقلی کن  
تاباز می نگیرد ، گرد و غبار دیگر  
اندیشه آفرینان ، آرامشی ندارند  
جز خیر و خدمت خلق ، بر کار و بار دیگر  
با ظلم و با تعدی ، در جنگ و در ستیزند  
با نثر و نظم ، از هر ، شهر و دیار دیگر

پروای ، می ندارند ، از ریش و پشم و چادر  
پتلون و نیکتایی ، چلتار و باره دیگر  
از نقد لندنی ها ، وز مکر کارتی ها  
از جهل چک چکی ها ، کی انتظار دیگر  
اما گروه فاسق ، چون نیش زهر غاسق  
در دیده ام خلانند ، هر لحظه خار دیگر  
با مکر میگذارند ، خنجر به خنجر ما  
تا در گلو نماند ، تاب شعار دیگر  
خاموش می نگردهد ، هرگز صدای بنده  
گر مثل شان یکی یا صد ها هزار دیگر  
این ذوق و شوق ما نه بل سوز و درد مظلوم  
از جور تَنگُران ، چند بی وقار دیگر  
زدان شده نگهبان ، بر کاروان باور  
بگریز از ملا و ، از موش و مار دیگر  
زیرا که کار ملا ، دایم شده تجارت  
چون عالمان دینی ، عمّامه دار دیگر  
بر پرسش رسالت ، پاسخ دهد نبی را  
ترسم که بر ولایت ، فتوای دار دیگر  
بر خیز ای برادر ، خود جست و جوی حق کن  
نه پیروی ز حرف ، ملای هار دیگر  
راه علاج جوئی ، بشنو به گوش وجدان  
از سفته های نابم ، راز نگار دیگر  
با صدق کن تحری ، تا بی نقاب بینی  
از جلوه حقیقت ، یک شهسوار دیگر  
از بهر نوع انسان ، یک وحدتی به عالم  
باید نمود ایجاد ، با پشتکار دیگر  
تعدیل هر معیشت ، تسهیل هر مشقّت  
تحصیل هر مودّت ، با طرز کار دیگر  
فرق رجال و نسوان ، بردار از میانه  
اعلان کن تساوی ، با ابتکار دیگر  
هر باوری که داری ، با عشق کن پرستش

از یک خدای واحد ، نه افتخارِ دیگر  
ما را عقیده اینست ، دانند اهلِ عالم  
گر تو نمی پسندی ، جو ، کردگارِ دیگر  
«نعمت» ز کارتکیها ، نه شکوه نه شکایت  
زیرا که عقلِ شانرا ، باشد فشارِ دیگر

### نوت:

- "کارتکی" به کسی گویند که "کارت" هر حزب و گروه را در جیب دارد، یعنی "ابن الوقت"
- "چک چکی" آنست که برای هر کس "چک چک" کند، یعنی "دنباله رو" و باصطلاح کابلی "سگ هر سوار"
- "لندنی" آن را گویند که خیر خود را در سایه "لندن" می بیند.